
بازخوانی رفتار سیاسی
امام حسین علیه السلام
در عصر معاویه
محمدباقر پور امینی


بسم الله الرحمن الرحیم

بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه

نویسنده:

محمد باقر پورامینی

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: پورامینی، محمدباقر۱۳۴۷-

عنوان و شرح مسئولیت: بازخوانی رفتار سیاسی امام حسین علیه السلام در عصر معاویه [منبع الکترونیکی] / محمدباقر پورامینی

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۵.۴KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

مدخل

امام حسین (ع) در سال ۴۱ هجری و پس از شهادت برادر ارشدش امام حسن مجتبی (ع)، منصب الهی داشت امامت را عهده دار شد. ده سال نخست امامت امام با زمامداری معاویه تلاقی داشت در این مقطع معاویه که از شهادت امام مجتبی (ع) بسیار خرسند بود، در تثبیت سلطه امویان کوشید و دایره اهل بیت ستیزی را گسترش داد او حتی فدك را میان مروان حکم عمرو بن عثمان و یزید تقسیم کرد. و در همین دوره بود که دوستداران امیرمؤمنان (ع) را به جرم پیروی از حضرتش به شهادت رساند و زمینه ولایت عهدی یزید را فراهم آورد. این مقطع از دوره امامت حسین بن علی (ع) را می توان مقطع «سال های دشوار و راه های ناهموار» نامید از این روباز خوانی این دوران مدخلی برای شناخت رفتار سیاسی آن حضرت است

دفاع از امیرمومنان

از دفاع اصلی معاویه اعتبار بخشی به صحابه پیامبر و کاهش دادن جایگاه و فضیلت های اهل بیت بود از این رو دشنام به امیرمؤمنان (ع)، محوری ترین سازوکار او و کارگزارانش تلقی شد به گونه ای که وقتی فردی مغیره در سال ۴۱ به عنوان والی کوفی منصوب شد، معاویه به او تأکید کرد: «دشنام به علی و مذمت او را از یاد مبر، از یاران او عیبجویی کن حرف آنان را گوش نکن و ایشان را تبعید کن »مروان حکم که اداره شهر مدینه را در دست داشت گستاخی و جسارت به امیرمؤمنان (ع) را به اوج برساند و با هر بهانه ای به علی (ع) دشنام می داد. معاویه در پی آن بود که «کودکان

بر بدگویی ها و لعن ها بر امام علی (ع) تربیت شوند و قامت کشند و بزرگان پیر شوند و دیگر یاد کننده ای باقی نماند که یاد او و فضیلت های او را بداند و زنده نگاه دارد!».در برابر چنین اندیشه باطلی امام حسین (ع) با بهره گیری از هر فرصتی نام و یاد امیرمؤمنان (ع) را زنده نگه داشت امام حتی در نام گذاری فرزندانش نیز همگان را علی نامید مروان حکم چون از نام امام سجاد (ع) و برادرش جویا شد و شنید که آن دو علی اند،خشمگین گشت و فریاد زد: «علی علی پدر تو نمی خواهد فرزندان خود را جز علی بنامد.»امام در واکنش به این سخن مروان فرمود: «لو ولد لی مائه لاحببت ان لا اُسمّی احدا منهم الا علیّا؛ اگر صد فرزندم آید دوست دارم هیچ یک را جز علی ننامم »امام حسین (ع) در تبیین جایگاه الهی و رفیع امیرمؤمنان (ع) بسیار کوشید تا از تأثیر تبلیغات معاویه بکاهد. حضرت در حضور معاویه و در یک مجلس رسمی لب به سخن گشود و فرمود:«من فرزند کسی هستم که در بزرگواری برجسته در شرافت والا، در نیکنامی دیرین خانوادگی بر همه اهل دنیا سرور است من فرزند کسی هستم که خشنودی او خشنودی خدای رحمان و خشم او خشم خدای رحمان است .آن گاه رو به معاویه کرد و فرمود:«آیا پدر تو همچون پدر من است آیا پیشینه تو همچون پیشینه من است اگر بگویی نه شکست خورده ای و اگر بگویی آری دروغ گفته ای »یک سال قبل از مرگ معاویه در سال

۵۹ ه.ق امام حسین (ع) پیش از عزیمت به حج از بنی هاشم و دوستداران پیروان و نخبگان دعوت کردند که به حج آیند و در منی در جمع ۷۰۰ نفر که ۲۰۰ نفر آنان از صحابه رسول خدا (ص) بودند، به ایراد سخن پرداختند. حضرت با بیان این جمله که «دیدید و شاهد بودید که این شخص طغیانگر (معاویه درباره ما و شیعیان ما چه اعمالی روا داشت »از عملکرد معاویه در تثبیت قدرت در خاندان اموی انتقاد کرد و همگان را بر ثبت و انتشار واقعیت حاکمیت دینی و محوریت آن در امیرمؤمنان (ع) فرا خواند و با سوگند دادن صحابه و تابعین به هفده مورد از فضیلت های انحصاری امیرمؤمنان (ع) و شأنیت او برای خلافت پیامبر (ص) اشاره کرد. امام حسین (ع) به همه مطالبی که خدا در قرآن درشأن علی بن ابی طالب و خاندانش نازل کرده یا بر زبان پیامبرش جاری ساخته بود، آنان را قسم داد، از جمله فرمود:«شما را به خدا سوگند می دهم آیا می دانید که علی بن ابی طالب برادر رسول خدا (ص) بود، هنگامی که پیامبر (ص)بین اصحابش برادری پدید آورد، بین او و خودش برادری برقرار کرد و فرمود: تو برادر منی و من برادر تو هستم در دنیا و آخرت ! رسول خدا (ص) روز غدیر خم علی (ع) را به ولایت نصب کرد و فرمود: باید حاضران به غایبان برسانند؟ پیامبر در جنگ تبوک به علی (ع) فرمود: تو نسبت به من مانند هارون نسبت به موسایی و تو پس از من زمامدار هر مؤمنی رسول

خدا (ص): هنگامی که نصارای نجران را برای مباهله فرا خواند جزعلی ع) و همسرش (فاطمه (س) و دو فرزند او (حسن و حسین (ع)) را نیاورد. پیامبر هیچ سختی و گرفتاری پیش نمی آمد مگر که علی (ع) را پی آن می فرستاد به خاطر اطمینانی که به او داشت او هیچ گاه او را به اسمش صدا می زد مگر که می گفت ای برادرم و (یا) برادرم را فرا خوانید؟! او هر روز با رسول خدا (ص)خلوتی داشت و هر شب بر منزل پیامبر (ص)داخل می شد هرگاه می پرسید، پیامبر (ص)پاسخش می گفت و هر گاه سکوت می کرد،پیامبر (ص) خود آغاز سخن می کرد.»هنگامی که امام این ویژگی ها را بیان داشت همگان سخنان حضرت را تصدیق کردند. آن گاه امام تاکید نمود:«سخن مرا بشنوید و گفتارم را بنویسید، سپس به شهرها و قبایل خود برگردید و هرکس را که به او ایمان و اطمینان دارید، به آنچه درباره ما و حق ما می دانید دعوت کنید،چون من بیم دارم این امر کهنه شود و حق ِاز بین رفته مغلوب گردد. خداوند نور خود را به اتمام می رساند، اگر چه کافران را خوش نیاید.»

نقد عملکرد معاویه

امام حسین (ع) هر چند بر پیمان ِصلحی که برادر امضاءِ کرده بود، وفادار ماند،اما این به معنای سکوت در برابر رفتارهای زشت معاویه نبود. وقتی معاویه در نامه ای به امام به دروغ از تلاش حضرت برای نقض صلح سخن راند، امام حسین (ع) در پاسخ چنین ادعایی را رد کرد و فرمود:«گمان ندارم که برای پیکار نکردن با تو نزد خدا بهانه ای داشته باشم و من برای این امت هیچ فتنه ای را بزرگتر از

زمامداری تو سراغ ندارم »به گفته مورخان امام به معاویه نامه ای نوشت که در آن با او به تندی سخن راند و او را ملامت کرد. این رفتار سیاسی امام تا پایان دوره خلافت معاویه ادامه داشت و حضرت هرگز از نقد عمل کرد معاویه خودداری نکرد، امام به او می فرمود:«من تو را نمی بینم جز این که خود را هلاک و دینت را نابود و زیر دستان خود را تباه ساخته ای »

واکنش در برابر تصفیه خونین

معاویه جدا از حذف نام و یاد علی (ع)، به تصفیه خونین یاران و دوستداران امیرمؤمنان (ع) پرداخت و چهره های شاخص و نامداری چون حجر بن عدی را که در علی دوستی و ترویج فرهنگ علی شهره بودند و با ستمگری و بدعت های او مخالف از دم تیغ گذراند. حجر یکی از مدافعان سرسخت امیر المؤمنان (ع) بود و در مقابل بی حرمتی و جسارت های بنی امیه نسبت به امام ایستاد زیاد بن ابیه حجر را دستگیر کرد و او و یارانش را به زنجیر کشید و به شام فرستاد. او در نامه اش به معاویه حجر را رأس طاغوت های طرفدار ابوتراب علی (ع) دانسته که معاویه را قبول ندارد. او در نامه شهادت برخی از بزرگان شهر را نیز برای معاویه یادآور شد.امام در شهادت دوستان امیر مؤمنان (ع)، همچون عمرو بن حمق حضرمی و حجر بن عدی که تنها به این بهانه که پیرو دین علی بودند، واکنش نشان داد و به معاویه تاکید کرد: «از بدگویی تو به علی (ع) و تلاش تو در کینه توزی ما و عیب جویی از بنی هاشم آگاهم آن

گـاه در نـامه ای فرمود:«آیا تو نبودی که حجر و یاران ِاو را که عبادت گر و خاشع در برابر خداونـد بودنـد،کشتی کسانی که بـدعت ها را وحشـتناک می شـمرند و امر به معروف و نهی از منکر می کردنـد. آیا تو نبودی که عمرو بن حمق را به شـهادت رساندی او که پرسـتش خدا چهره اش را فرسوده بود.آیا تو نبودی که حضـرمی را کشتی کسی که زیاد بن ابیه به تو نوشت او بر دین علی (ع) است دین علی (ع) همان دین پسـر عم او رسول خدا (ص) است که تو را دراین مسند نشانده است و اگر دین اسـلام نبود، برترین شـرافت تو پدرانت همان کوچیدن پردردسر زمستان و تابستان بود، خدا به برکت ما منت بر شما نهاد و آن را از شـما برداشت »سالار شـهیدان در نـامه ای دیگر به معاویه چنین فرمود:«معاویه جز در کمان خود زه مبنـد و جز به مقصـد خود تیر میفکن و مـا را از جـایی نزدیک هـدف مگیر. به خـدا سوگنـد در ارتباط با ما از کسـی پیروی می کنی که در اسـلام سابقه ای دارد و نفاق او تازه نیست »

مخالفت با ولایت عهدی یزید

معاویه در تلاشـی اسـتثنایی ولایت عهدی پسرش یزید را بر زبان ها جاری ساخت مسأله ای که در اسلام بی سابقه بود! معاویه در سال ۵۶ ه.ق انجـام این کـار را از شام آغاز کرد و از بزرگان مـدینه نیز خواست تا تن به این ولایت عهـدی دهنـد. واکنش امام حسین (ع) و سایر اصحاب نامور منفی بود. میان معاویه و امام در این مدت مکاتباتی صورت پذیرفت و در نامه ای امام به معاویه هشدار

داد و او را به خدا ترسی رهنمون کرد و تاکید فرمود «خداوند فرمانروا کردن و بیعت ستاند تو برای فرزند جوانت را که شراب می نوشد و سگ بازی می کند، از یاد نخواهد برد.» حضرت در مرقومه ای دیگر، به تندی با معاویه سخن راند و او را بر کارهایش ملامت کرد و فرمود:«فرزند خود را که نوجوانی شراب خوار و سگ باز است جانشین خود ساختی پس در امانت خود خیانت روا داشتی و زیر دستان خود را به تباهی کشاندی و سفارش پروردگارت را به جا نیاوردی چگونه کسی بر مسلمانان می گماری که شراب می نوشد؟! با این که شراب خوار از فاسقان و تبهکاران است وشراب خوار بریک درهم نیز امین نیست چگونه بر امتی امین باشد؟ بزودی آن گاه که نامه های استغفار و توبه پیچیده شود، نتایج شوم عمل خود را دریابی »معاویه برای تثبیت موقعیت یزید، به مدینه و مکه آمد و ابن عباس و امام حسین (ع) را خواست و حضرت در سخنانی بر این گفته معاویه که «یزید خود به حدکمال رسیده و می تواند امت محمد را اداره کند!» اشاره کرد و فرمود:«گویا شخص پوشیده و ناشناخته ای را توصیف می کنی یا از کسی که آگاهی ویژه درباره او داری خبر می دهی ! یزید خود با رفتار و کردارش به جایگاه اندیشه اش رهنمون می شود. برای یزید از همان گونه که خود به آن پرداخته هم چون پی سگ های برانگیخته افتادن و کبوترهای پیش افتاده و زنان نغمه سرا در تار وتنبور را سرگرم شدن که او را یاور سخنانت خواهی یافت و دست از

این تلاش ها بردار.»معاویه چون از فضیلت و قرآن خوانی یزید و برتری اش بر حسین بن علی (ع) گفت امام از این سخن باطل و دروغ معاویه تعجب نمود و در پاسخ فرمود:«یزید خمار، فاسق و فاجر را بهتر از من می گویی »معاویه از کیفیت برخورد امام ناراضی بود و به ابن عباس گفت از حسین (ع) رنجیده ام که با پسر من بیعت نمی کند و او را به اهانت ها منسوب می دارد. گرچه درمحفلی بزرگ سران سپاه شام شمشیر کشیدند و امام حسین (ع) و سه نفر دیگر را تهدید کردند که در صورت عدم بیعت با یزید آنها را خواهند کشت و مردم نیز گمان کردند که ایشان بیعت نموده اند، امام حسین فرمود:«والله که ما یزید را در مخفی و آشکار بیعت نکرده ایم .معاویه در آخرین لحظات به یزید، درباره شیوه رفتار با امام حسین (ع) چنین توصیه کرد که «او را مرنجان لکن گاه گاهی تهدیدی کن زینهار در روی او شمشیر نکشی و به طعن و ضرب البته با او دیدار نیابی »

روشنگری و هدایت نخبگان

امام حسین (ع) در خطبه ای که گویا در منی ایراد شده است – نخبگان و عالمان برجسته جامعه را مورد خطاب قرار داد؛ آنان که «نامور به نکویی معروف به خیرخواهی و به لطف خدا در دل مردم شکوهمند» بودند، کسانی که «شرافتمند و دولتیار» ازایشان پروا داشته و ناتوان گرامیشان «و هرگاه حاجتمندان از رسیدن به نیاز خود محروم مانند» ایشان را «واسطه آرند و «به شکوهی چون شوکت شهر یاران و بزرگواری بزرگان در راه گام بر می دارند. امام

نخبگان را به درنگ در این پرسش واداشت که آیا این همه از آن رو نیست که شما به پایگاهی رسیده اید که مردم از شما امید دارند تا به حق خدا قیام کنید و اگر از قیام به بیشتر حقوق الهی کوتاهی ورزید حق امامان را خوار شمرده اید.»امام با بیان این مهم که «شما را به خاطر خدا در میان مردم ارجی است ، رمز ارجمندی و برتری نخبگان را مرهون کرامت الهی دانست و سستی ایشان در برابر دفاع از دین خدا را این گونه مورد نقد و بررسی قرار داد: «نه مالی پراکندید و نه جانی را در راه جان آفرین به خطر افکندید و نه برای خدا با گروهی در افتادید.»آن حضرت با توجه شناخت واکنش نخبگان و عالمان آنان را به تامل واداشت وفرمود:«به چشم می بینید که پیمان های الهی شکسته شده ولی نمی هراسید، و عهد (ولایت پیامبر خدا (ص) خوار شمرده شده است و کوران و لالان و زمین گیران در همه شهرهای (جهان اسلام وانهاده مانده اند و بر آنها ترحمی نمی شود، شما به اندازه شأن و پایگاهی که از آن برخوردارید، کاری نمی کنید و بدان کس که (در آن جهت کار می کند مددی نمی رسانید و با چرب زبانی و سازش پیش ستمکاران خود را آسوده می سازید!»در نگاه حسین بن علی (ع)، «گردش امور و اجرای احکام به دست عالمان به خداوند است که بر حلال و حرامش امینند» و سستی چهره های نامی اسلام و کوتاهی آنان در «نگه داشت پایگاه علما»، سبب شد تا این پایگاه از ایشان گرفته شود. اما علت این

خلع یـد از عالمان را «پراکندگی و جدایی از حق و اختلاف در سـنت پیامبر بعد از دلیل روشن دانست و ثمره چنین عملکردی موجب شـد که آنـان سـتمکاران را در پایگـاه خـویش جـای دادنـد و زمـام امور حکومت خـدایی را به دست پلیـدترین افراد سپردند، آنان که به هر شـهری سـخنرانی زبان باز و نعره پرداز بر منبر دارند و تمام سـرزمین اسـلام بی دفاع زیر پایشان افتاده و دسـتشان در آن جـا باز است و مردم برده وار در اختیار آنانـنـد.»«لو صبرتم علی الأذی و تحملتم المئونه فی ذات الله کانت أمور الله علیکـم ترد وعنکـم تصـدر و ءالیکـم ترجع و لکنکـم مکنتم الظلمه من منزلتکم و استسـلمتم أمـور الله فی أیـدیهم یعملـون بالشـبهات و یسـیرون فی الشـهوات اگر بر آزار شـکیبا بودید و در راه خدا تحمل به خرج می دادید امور خدا با شـما، به دست شمـا در می آمـد و احکام او از (جانب شـما صادر می شـد و مرجع همگان قرار می گرفتیـد، ولی شـما خود سـتمکاران را در پایگاه خویش جای دادیـد و زمام امور (حکومت خـدایی را به دست آنان سپردیـد تا به شـبهه کارها کننـد و به راه شـهوت ها رونـد.»سالار شـهیدان با اظهار شـگفتی از حاکمیت امویان چنین فرمود:«چرا در شـگفت نباشم که زمین از آن ِ سـتمگری دغل پیشه و باج گیری ظالم و حاکمی (شـرور) است که بر مؤمنان رحم نیارد. پس خدا در کشاکشـی که ما داریم حاکم و به حکم خود در مشاجره ای که میـان مـاست داور باد.بارالهـا! تو خود می دانی آنچه از مـا برآمـده از سـر رقابت در سـلطنت و میل به افزودن

کالای دنیا نبوده است بلکه از آن روست که پرچم دین تو را افراشته بینیم و اصلاح را در کشورت آشکار کنیم و بندگان ستمدیده ات را امانی دهیم تا به فرایض و سنت ها و حکم ات عمل شود.»امام حسین (ع) سخن خویش را با این جمله پایان داد که «اگر شما ما را یاری نکنید و به ما حق ندهید، قدرت ستمگران هم چنان بر سر شماست و آنان به خاموش کردن نور پیامبرتان می پردازند.»سخنان حضرت سیدالشهداء، وجدان گروه اندکی از چهره های نامور را متحول ساخت هر چند که کلام نورانی امام برای بسیاری از آنان کارگر نیفتاد.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹